



نگاهی به وضعیت دادگاه‌های خانواده بعد از تعطیلات نوروز

خوشی‌های زودگذر تلخی‌های ماندگار؟

بهمن عبدالهی

روزنامه‌نگار

روزی از روزهای اواخر ماه فروردین که بیشتر شهروندان تهرانی می‌کوشیدند از طراوت بهاری و آبی آسمان بهره ببرند، جماعتی را در اتاق‌ها و پوله‌های مجتمع قضایی خانواده می‌دیدم که درگیر حل و فصل دعاوی حقوقی هستند. پیش از دوران شیوع کرونا دیدن چنان وضعیتی در آنجا عادی بود. هر چند برای من مشاهده مردمانی غمگین و عبوس که وقت خود را به جای لذت بردن از دامن طبیعت یا همنشینی با یکدیگر، در چالش با خویشاوندان خود سپری می‌کردند قدری پرسش برانگیز به نظر می‌رسید. یکی از قضات دادگاه خانواده در پاسخ پرسش‌م با لی‌چندی اشاره کرد: «معمولاً در ایام نوروز همه خوشحال و شادند. هنوز حساب‌ها ته تکشیده و مشکلات مالی نمایان نشده. همه در حال مسافرت و میهمانی هستند. اما از آنجا که روزهای خوش زود تمام می‌شوند بعد از آن مشکلات زندگی مشترک رخ می‌نماید. اینجاست که بعضی از زوج‌ها یا فرزندان نمی‌توانند با مسائل کنار بیایند و کار به اینجا می‌رسد که مطالبات‌شان را از هم درخواست می‌کنند و آنچه که می‌بینید اتفاق می‌افتد.»

حالا پس از دو سال با همان قاضی تماس گرفتم تا ضمن اشاره به آن خاطره گذرا دربارۀ میزان مراجعات و دعاوی خانوادگی در روزهای سپس از تعطیلات نوروز و در شرایط کرونا و وضعیت امروز جو یا شوم که گفت: «آنچه بیان کردم، فقط نظر شخصی و براساس تجربه بود. در واقع دلایل متقن یا پژوهش دقیقی موجود نیست که بر اساس آن ادعا کنیم در چه مقطعی اختلافات خانوادگی بیشتر می‌شود. اما اگر چنین سنجشی از سوی کارشناسان انجام شود، می‌توان در کنار رسیدن به پاسخ‌های دقیق، روی آموزش و آگاهی مردم کار و از بسیاری اختلافات پیشگیری کرد.» با این توصیفات و داستان در ادامه می‌آورم که برگرفته از مردمانی است که در اطراف ما زندگی می‌کنند و ممکن است روزی روزگاری پرونده به دست در همان راه‌روها وقت خود را سپری کنند.

■ داستان اول: سفر عقب افتاده ماه عسل و گردنبند کذایی

نادر و الهام هم دو تحصیلکرده و صاحب شغلی با حقوق ثابت هستند. زوجی که از دوران دانشگاه همدیگر را می‌شناسند. پس از یک دوران کوتاه آشنایی با هم ازدواج کرده‌اند و حالا ۵ سال از آن روزها می‌گذرد. آنها بعد از جشنی

معمولی زندگی خود را در آبرآرتمانی استیجاری آغاز کردند و درست دو سال پس از اجاره‌نشینی موفق شدند با وام و قرض و فروختن طلاهای اهدایی مراسم عقد یک آبرآرتمان کوچک برای خودش بخزند و در سه سال گذشته هر چه کار کرده‌اند جدا از خرج و مخارج معمول، صرف اقساط و بدهی شده. این زوج جوان از آخرین روزهای سالی که گذشت نقشه‌های متفاوتی برای تعطیلات عید نوروز کشیده بودند چرا که طبق حساب و کتاب نادر، در سال او از یک طرف اقساط سبک‌تر و قرض‌ها پرداخت می‌شوند و از طرف دیگر حقوق‌شان بالاتر می‌رود پس آنها می‌توانند نفس راحتی بکشند. برای همین نشسته و با جمع و تفریق کردن حقوق و عیدی و پاداش آخر سال خودش و الهام به این نتیجه رسیده بود که در تعطیلات عید نوروز می‌توانند سفری به خارج از کشور داشته باشند و تلافی ماه عسل نرفته ۵ سال پیش را آورند.

اما الهام موافق سفر خارجی نبود. او معتقد بود ۲۰ میلیون تومان پول بی‌زبان را نباید خرج سفری کرد که فقط چند عکس و خاطره از آن باقی خواهد ماند. از نظر او می‌شد همین جا داخل کشور به یک سفر جمع و جور رفت و پس این‌انداز مورد نظریک گردنبند طلا خرید که هم در

میهمانی‌ها از آن استفاده کند و هم سرمایه‌ای برای آینده داشته باشند. این زوج دربارۀ مسائل مالی معمولاً با هم اختلاف نظر داشتند تا حدی که حاضر نشده بودند سند خانه به نام یکی از آنها بخورد، یعنی سه دانگ سه دانگش کرده بودند. اما فقط همین نبود. الهام و نادر حتی از چاپ یک عکس اضافه در آلبوم عروسی گرفته تا خرید لباس و تزئینات منزل با هم بحث و مشاجره می‌کردند.

ماجرای سفر به خارج از کشور هم در پی اختلاف نظر در شیوه هزینه کردن به بن‌بست خورد و آنها به لیخ همدیگر حتی سفر داخلی هم نفرقتند و تمام تعطیلات نوروز را به بحث و جدل‌های بی‌مورد و با مورد درباره رفتن به رستوران، خانه فامیل، تعمیر پراید قسطی، سینما رفتن و غیره گذراندند. دست آخر هم با وساطت بزرگ‌ترها پول مورد نظر صرف خرید گردنبند طلا برای الهام شد، هر چند نادر در خلوت با خودش می‌گفت: «حالا که حسرت یک سفر خارجی را به دلم گذاشته، من هم حسرت پز دادن گردنبند را به دلش می‌گذارم.» برای همین یک روز قبل از سیزده بدر که بر سر همراهی با خانواده این طرف یا آن طرف مشاجره کردند،



در سال‌های اخیر میزان مراجعات زوج‌ها به دادگاه‌های خانواده بیشتر شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق و مطالبات خود است که فضای مجازی هم در این زمینه مؤثر بوده است. از سوی دیگر در سال‌های اخیر مشکلات مالی و اقتصادی مردم بیشتر شده و این مشکلات مالی به مشکلات عاطفی دامن زده و در نتیجه تنش میان زن و شوهرها و فرزندان بیشتر شده است، پس طبیعی است که میزان ورودی پرونده‌ها در دادگاه‌های خانواده بیشتر شود

نادر به نگاه عصبانی شد، دست انداخت و گردنبند کذایی را از گردن الهام کشید و به جاهک توالت انداخت. الهام هم گریه‌کنان به خانه پدرش برگشت تا صبح ۱۵ فروردین برود و مهریه‌اش را اجرا بگذارد.

■ داستان دوم: خانواده طاهر آخوشیخت آقای رجبی!
خانواده رجبی شامل چهار نفر می‌شود: «آقای رجبی» که بازنشسته‌ای است شاغل در یک شرکت خصوصی و همسر خانۀ‌دانش «مهین». پسر جوان و تحصیلکرده‌ای به نام «شاهین» که جو یا ی کار است و دختر دانش آموز شان آذین که حتی پیش از آموزش مجازی هم درسخوان و شاگرد اول کلاس بود. این خانواده که از نگاه فامیل و همسایه خوشبخت به نظر می‌رسند در یک خانه کلنگی ارثی در جنوب شهر زندگی می‌کنند. آنها تا پیش از پاندمی کرونا رسم داشتند که تعطیلات نوروز را در خانه آقا جان یعنی پدر بزرگ بگذرانند که در روستای ایبانه واقع است. اما از آنجا که هر دو خانواده نگران ابتلا به ویروس هستند ترجیح دادند تعطیلات را در در خانه‌های خودشان بمانند و مشکلات خانوادگی آنها هم از همین جاسر باز کرد.

در آستانه سال جدید از یک طرف محل کار آقای رجبی به خاطر کاهش هزینه‌ها دست به تعدیل نیرو زد و پیرمرد ناچار شد با شندرغاز مستمری بازنشستگی سر و ته هزینه‌ها را به هم برساند. از طرف دیگر نمی‌دانست پس از عید کجا می‌تواند شغل جدیدی پیدا کند برای همین سعی کرد با صرفه‌جویی در هزینه‌ها منابع مالی را مدیریت کند. بر این اساس خوشی‌های عید نوروز برای خانواده فقط دو، سه روز دوام داشت. از روز سوم پدر به پسر اصرار کرد که برای کار کردن جدی‌تر باشد و چون وسط تعطیلات نمی‌شد شغلی پیدا کرد، بنابراین شاهین پراید درب و داغان را بر داشت تا بر خلاف خواسته قلبی‌اش به طور موقت در تاکسی اینترنتی مشغول شود. اما پول در آوردن شاهین با آن ماشین مصداق ضرب‌المثل آفتابه خرج لجم بود. بنابراین ماجرای درآمد و هزینه، موضوع بحث و جدل هر روزه پدر و پسر شد.

قطع شدن بسته اینترنتی آذین هم چالش دیگری میان پدر و دختر خانواده بود. از این سو مادر هم از خالی بودن یخچال خانه می‌نالید و نگران آمدن میهمان ناخوانده. ظاهر امر نشان می‌داد صرفه‌جویی کردن آقای رجبی روزگار خانواده را از خوشی به تلخی سوق داده است. بالاخره مهین خاتم که از آن همه بحث و مشاجره خسته شده بود، دست

مشکلات همه‌ایام سال هست باید نگاه‌ریسه‌ای داشت

به نظر می‌رسد بروز اختلافات و درگیری‌های خانوادگی دلایل زیادی دارد که متناز از شرایط اقتصادی، روحی، خلقی ... افراد است و بالطبع در ایام تعطیلات یا دوران افزایش مرادوات و برخورد‌ها تأثیرات خود را رجا می‌گذارد. اما اینکه تلقی کنیم تنش‌های خانوادگی مثلاً در آغاز فصل بهار یا نوروزی می‌تواند خلای‌ها عطفی را هم رفق کند هر چند چالش‌هایی را نیز ظاهر می‌سازد. اما اینکه چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد ما قطعاً نیازمند برنامه‌های فرهنگی و آموزش عمومی متناسب با واقعیت‌های جدید خانواده هستیم. آموزش خودکنترلی و چگونگی مهارت‌های ارتباط مطلوب و مؤثر میان افراد خانواده برای احترام و تکریم به یکدیگر، ضرورت تقسیم‌موازن تکالیف و وظایف منزل از جمله گام‌هایی است که در میان مدت مانع افزایش تعارض‌های خانوادگی و تکرار آنها خواهد شد. به طور مثال لازم است به خانواده‌ها آموزش داده شود چگونه از فرصت‌هایی مثل تعطیلات نوروز به نحو مطلوب استفاده کنند تا هم برایشان کسالت بار نباشد و هم آنها را به یکدیگر نزدیک‌تر کند. همچنین می‌توان فرهنگ صحیح زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را از طریق رسانه‌ها ترویج داد و نهادینه کرد.



علی موعینی
قاضی‌بازنشسته
وکیل پایه یک
دادگستری

با توجه به تجربه ۵ ساله‌ام در ریاست مجتمع قضایی خانواده کرج می‌توانم بگویم که به‌دلیل جمع‌بندی و آمارگیری از سال تعدادی از پرونده‌های اسفند ماه به نیمه دوم فروردین یا اردیبهشت موکول می‌شود و زمانبندی آنها به شکلی است که در این ایام رسیدگی صورت می‌گیرد.
در واقع روش رسیدگی به دعاوی خانوادگی امروز به شکلی نیست که بلافاصله به دادگاه ارجاع شود بلکه فرایند ثبت و طبقه‌بندی و غیره باعث می‌شود مدتی بعد در نوبت رسیدگی قرار گیرند.
با این حال می‌توان گفت که در سال‌های اخیر میزان مراجعات زوج‌ها به دادگاه‌های خانواده بیشتر شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق و مطالبات خود است که فضای مجازی هم در این زمینه مؤثر بوده است. از سوی دیگر

به کار شد تا خانه ارثی را بفروشد و برای کسب و کار شاهین و تأمین آینده بچه‌ها فکری کند. آقای رجبی هم که از مستأجری ترس زیادی داشت، همسرش را تهدید به طلاق کرد و بدین نحو مشکلات خانواده ظاهراً خوشبخت رجبی پیچیده‌تر شد.

■ حقایقی که در نبود مهارت زندگی مشترک آشکار می‌شوند

هر چند از میزان اختلافات خانوادگی در روزهای پس از تعطیلات نوروز یا ورودی شکایات و دعاوی دادگاه‌های خانوادگی در نیمه دوم فروردین یا مثلاً اردیبهشت هر سال آمار و داده‌های دقیقی در دسترس نیست اما با این حال به طور موردی می‌توان آمار و فراوانی برخی از مناطق و شهرها را در آرشو خبرها مشاهده کرد. به طور مثال معاون عملیات فرماندهی انتظامی استان قزوین در گفت‌وگو با خبرنگاری ایرنا (۲۳ اسفند ۱۴۰۰) گفته است: «روانه سه هزار و ۵۰۰ شهروند قزوینی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس می‌گیرند که این آمار در مناسبت‌های خاص نظیر روزهای پایانی سال به بیش از پنج هزار مورد نیز افزایش می‌یابد.»

سررنگ ابوالفضل قلی‌پور در بخش دیگری تأکید کرده: «در وضعیت عادی به طور میانگین میزان تماس روزانه با این مرکز از سوی شهروندان استان سه هزار و ۵۰۰ مورد است اما این میزان در مناسبت‌های مختلف از جمله نزدیک شدن به روزهای پایانی سال یا در مناسبت‌های خاص به بیش از پنج هزار مورد افزایش می‌یابد.» وی در ادامه گفته است: «متأسفانه بیشترین تماس‌های صورت گرفته با این مرکز مربوط به نزاع و درگیری، بخصوص نزاع و درگیری‌های فردی و همچنین اختلافات خانوادگی است.»

بر اساس داده دیگری هدی حقیقی، معاون امور اجتماعی بهزیستی همین استان به ایرنا (۱۳ اردیبهشت ۹۹) گفته است: «در فروردین ماه سال جاری تعداد تماس‌های برقرار شده با سامانه ۱۲۳ به طور چشمگیری افزایش یافت که البته علت این افزایش معرفی سامانه با پیامک وزارت بهداشت بوده، با این حال از کل ۵۲۸ تماسی که در این دوره برقرار شد، بیشترین موضوع مربوط به اختلافات خانوادگی بود.» بر اساس گزارش دیگری که ۱۲ فروردین سال ۹۹ در ایرنا منتشر شده، بهزاد وحیدیا، مدیرکل مشاوره و امور روانشناختی بهزیستی کشور گفته: «میزان تماس‌های زوجین مربوط به اختلافات خانوادگی در دوران قرنطینه و کرونا با صدای مشاور بهزیستی یعنی شماره ۱۴۸۰ نشان می‌دهد آمارهای اختلافات بین زوجین، سه برابر افزایش یافته است. بر این اساس در دوران قرنطینه، ساعات تماس زوج‌ها و مدت زمان تعامل آنها با یکدیگر بیشتر است و اختلافات زناشویی افزایش می‌یابد.»
اگر تعطیلات عید نوروز را مشابه یا دست‌کم نمونه کوچکتر دوران تعطیلی و قرنطینه کرونا فرض کنیم، بر اساس نظر کارشناسان میزان اختلافات خانوادگی، گرچه اختلافات و آسیب‌های اجتماعی در ایام پیش از کرونا نیز وجود داشته، اما در دوره کرونا و قرنطینه، مشکلات اساسی کنار هم بودن اعضای خانواده حقایق زیادی را در خصوص نبود مهارت و فرهنگ خانوادگی آشکار کرده است. تشدید اختلافات روانی مانند بدبینی، ایراد گرفتن، نبود اوقات فراغت، مدیریت نکردن سلاقی مختلف اعضای خانواده، مردسالاری و شیوه‌های سنتی در اداره خانواده، مشکلات بهداشتی ناشی از کرونا و غیره از عمده موضوعاتی بوده که خانواده‌ها را از درون درگیر کرده است. بنابراین مشکلات یاد شده را می‌توان به هم‌نشینی و کنار هم بودن اعضای خانواده در تعطیلات عید تعمیم داد.

نوروز زمان آشتی و دوستی است نه اختلاف و درگیری

در سال‌های اخیر مشکلات مالی و اقتصادی مردم بیشتر شده و این مشکلات مالی به مشکلات عاطفی دامن زده و در نتیجه تنش میان زن و شوهرها و فرزندان بیشتر شده است، پس طبیعی است که میزان ورودی پرونده‌ها در دادگاه‌های خانواده بیشتر شود. به نظر من دستگاه قضایی مظلوم‌ترین دستگاه در کشور است چرا که عهده دار رسیدگی به اختلافات متعددی است که اساساً در آنها دخیل نیست اما به واسطه وظیفه ذاتی اش ناچار به رسیدگی است. من ۳۱ سال در دستگاه قضایی خدمت کرده و می‌دانم که این امکانات و شرایط مناسب را در اختیار ندارد. بنابراین به نظر من میزان اختلافات خانوادگی در فروردین و اردیبهشت مثل بقیه ماه‌هاست، با این حال قبول دارم که در تعطیلات نوروز مشکلاتی برای خانواده‌ها پیش می‌آید که این مسأله هم به‌دلیل نداشتن مهارت‌های زندگی مشترک و نداشتن تسلط بر آن است. مشکلات مالی هم در این امر دخیل است. اما اگر تعطیلات را دلیل افزایش اختلافات خانوادگی بدانیم در ایام کرونا حجم ورودی پرونده‌ها به دادگاه‌ها باید بیداد می‌کرد در حالی که فقط قریب بیست درصد در پایان باید به این موضوع هم اشاره کنم که در فرهنگ سنتی و باورهای ما نوروز زمان مناسبی برای آشتی و از بین بردن کینه و کدورت‌هاست پس قاعدتاً میزان اختلافات هم کمتر می‌شود.